

فصلنامه مطالعات زبان‌ها و گویش‌های غرب ایران، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه رازی کرمانشاه

سال پنجم، شماره ۱۹، زمستان ۱۳۹۶، صص ۱-۱۸

روند نام‌گذاری فرزندان در شهر مهاباد از دیدگاه زبان‌شناسی اجتماعی^۱

بهمن زندی^۲

استاد زبان‌شناسی، دانشگاه پیام نور

مینژه میرمکری^۳

دانشجوی دکتری زبان‌شناسی، دانشگاه پیام نور

چکیده

این مقاله جهت بررسی سیر تحول نام‌گذاری در دوره‌ای ۱۲ ساله، در شهر مهاباد تهیه و تدوین گشته است. بدین منظور، ۴۸۲ نام متولدین سال‌های ۱۳۷۴ الی ۱۳۸۵ از مدارس این شهر گردآوری شد. نام‌ها از منظر هویت، در چهار گروه هویتی دسته‌بندی شدند. داده‌ها در هر یک از گروه‌های هویتی هم به صورت کلی و هم به تفکیک جنسیت با روش‌های آمار توصیفی و آزمون استنباطی مورد تحلیل قرار گرفتند. یافته‌های تحقیق نشان داد که نام‌های برگرفته از هویت ملی بالاترین فراوانی را داشته و پس از آن نام‌های مذهبی قرار دارند. نام‌های کردی سومین گروه از نظر فراوانی بوده و پس از آن، نام‌های برآمده از هویت فراملی قرار دارند. با این وجود، بررسی سیر تحول نام‌ها نشان داد نام‌های با هویت ملی و هویت مذهبی، در هر دو جنس، در طول این دوره زمانی روندی کاهشی داشته‌اند. پژوهش همچنین نشان می‌دهد گرایش به نام‌های با هویت کردی، در هر دو جنس سیری افزایشی داشته و گرایش به استفاده از نام‌های فراملی در نام‌گذاری دختران، افزایش و در نام‌گذاری فرزندان پسر، روندی کاهشی در پیش گرفته است. در خصوص نام‌های با هویت کردی و ملی که به زیرمقوله نام‌های کهن، مشاهیر، طبیعت و مفهومی تقسیم شد، مشاهده گردید گرایش به استفاده از نام‌های کهن، در این دو گروه هویتی، برای هر دو جنس افزایش یافته است.

کلیدواژه‌ها: زبان‌شناسی اجتماعی، نام‌شناسی، نام‌گذاری، هویت، جنسیت، مهاباد.

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۹/۲۸

zandi@pnu.ac.ir

Manijeh.mirmokri@gmail.com

۱- تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۶/۲۹

۲- پست الکترونیکی نویسنده مسئول:

۳- پست الکترونیکی:

۱- مقدمه

نام‌ها به نحو قابل ملاحظه‌ای مهم‌اند. در هر نام نشانه‌هایی وجود دارند که ما آنها را انتخاب نمی‌کنیم، اما این نشانه‌ها اطلاعاتی از قبیل طبقه اجتماعی، سطح تحصیلی، مذهب و تعلقات هویتی والدین ما را با خود دارند. مغانده^۴ (۲۰۰۶) نام را مهمترین واژه در هر زبان می‌داند. او معتقد است نام‌ها به عنوان کلماتی که با استفاده از آنها حقیقتی شناسانده یا بیان می‌شود، معنی‌دارترین واژه در واژگان هر زبان بوده و مهمترین بخش وجود یک زبان‌اند؛ زیرا نه تنها بر محیط و مکان گذاشته می‌شوند، بلکه تمام تمایزات جانوران و گیاهان را نیز در خود اندوخته‌اند (مغانده، ۲۰۰۶: ۱۰۶). مطالعات علمی نشان داده‌اند که جهان فرضیات مختلفی را در مورد پسری که تایرون نامیده می‌شود و پسری که فلیپ نام دارد، ارائه می‌دهد؛ هرچند آن فرضیات ممکن است اغلب اشتباه باشند، با این وجود، تأثیر قابل ملاحظه‌ای بر سیر زندگی افراد می‌تواند داشته باشند. یک نام حتی می‌تواند تأثیر ناخودآگاهی بر گزینش‌های خود شخص در زندگی بگذارد. بعضی تحقیقات علمی ادعا می‌کنند که تعداد بسیار بی‌شماری دندانپزشک با نام دنیس وجود دارند و وکلایی که لورن نام دارند.

نام‌شناسی یک زمینه بین رشته‌ای است که توجه فلاسفه زبان، مردم‌شناسان، زبان‌شناسان و چه بسا افراد عادی را به خود جلب کرده است. موضوع نام اگر با ترکیبی از مفهومات فلسفی و مردم‌شناسی صورت پذیرد، بهترین تحلیل‌ها را در اختیار قرار می‌دهد. در مطالعات مردم‌شناسی، نادیده گرفتن زبان و فرهنگ ناممکن بوده و تمام زبان‌ها که نماد مهم هر فرهنگی هستند، حاوی نام‌ها به عنوان یک نشانه‌اند. از طریق تحلیل این نشانه‌ها در هر جامعه، تا حد زیادی می‌توان به نگرش‌ها، افکار و عواطف و روحیات آن جامعه پی برد. گرایش‌های پدران و مادران، ارزش‌ها و باورهای فرهنگی و مذهبی و اجتماعی آنان از طریق نامی که بر فرزندان خود می‌گذارند، قابل استخراج و استنباط است، لذا می‌توان گفت موضوع نام رشته‌های زیادی را می‌تواند درگیر کند.

هدف پژوهش حاضر عبارت است از بررسی پیوند میان هویت کردی، ملی، مذهبی و فراملی و تأثیر آنها بر روند نام‌گذاری دختران و پسران در شهر مهاباد برای رسیدن به پاسخ سؤالات زیر:

۱- میزان تأثیر هویت‌های چندگانه (ملی، کردی، مذهبی، فراملی) بر نام‌گذاری کودکان مهابادی چه اندازه بوده است؟

۲- در گرایش به هویت‌های چندگانه در امر نام‌گذاری به تفکیک جنسیت، چه روندی مشاهده می‌شود؟

۳- در گذر زمان سیر تحول نام‌گذاری فرزندان با توجه به انواع هویت‌ها چگونه بوده است؟

۲- روش‌شناسی

تحقیق جاری از نوع توصیفی-تحلیلی است. روش گردآوری داده‌ها میدانی بوده و برای جستجوی ادبیات تحقیق و نظریه‌های مربوط از روش کتابخانه‌ای با جستجو در دو فضای واقعی و مجازی و پایگاه‌های اطلاعات علمی، و کتابخانه‌های دیجیتال استفاده گردید. به منظور استخراج نام‌ها چک لیست‌های محقق‌ساخته به کار رفت و داده‌ها (نام‌ها) با توجه به ریشه و خاستگاه اکثریت آنها ابتدا در چهار گروه هویتی نام‌های ملی، مذهبی، کردی و فراملی طبقه‌بندی شدند. در مرحله بعد هر یک از گروه‌های هویتی ملی و کردی نیز با توجه به ویژگی‌های معنایی خود به زیرمقوله‌های دیگری مانند نام‌های کهن، نام‌های برگرفته از طبیعت، مشاهیر و مفهومی تقسیم گردیدند. جامعه آماری در این پژوهش کلیه دانش‌آموزان متولد سال‌های ۱۳۷۴ الی ۱۳۸۵ مهابادی است. با استراتژی نمونه‌گیری بر اساس شاخص‌های نمونه، پارامترهای مورد نظر جامعه آماری مورد برآورد قرار گرفت و داده‌های گردآوری شده و طبقه‌بندی شده بیانگر فراوانی و درصد توزیع بوده و با استفاده از نرم‌افزارهای EXCEL و SPSS به صورت توصیفی و استنباطی مورد تحلیل قرار گرفتند. در آمار توصیفی از روش هیستوگرام (نمودارهای ستونی ساده) استفاده شد. در آمار استنباطی برای در ارتباط قرار دادن متغیرها (جنسیت و سن)، از نتایج حاصل از آزمون فراوانی خی^۲ استفاده شد. مطالعات فرسنگی

۳- سنت‌های نام‌گذاری

نام‌گذاری یک شیوه اساسی و خاص است که با آن انسان‌ها زبان را به کار می‌گیرند و معنا و کاربرد نام‌ها در کانونی‌ترین مباحث فلسفی، تاریخی، فرهنگی و زبان‌شناختی قرار می‌گیرد. در مطالعات زبان‌شناختی، حوزه نام‌شناسی و به ویژه شاخه نام‌شناسی اجتماعی زیر مجموعه زبان‌شناسی اجتماعی به شمار می‌رود. مطالعه نام اشخاص یا آنتروپونیمی^۵ به تبارشناسی، جامعه‌شناسی و مردم‌شناسی نیز مربوط می‌گردد. آنتروپونیمی، نام‌ها را از نظر فرم و کاربرد بررسی می‌نماید (رک. آلجئو^۶، ۱۹۹۲: ۷۲۷؛

5. anthroponymy

6. J. Algeo

آجیکوم^۷، ۲۰۰۶: ۲۰۸). از نظر لاوسون^۸ نام‌های خاص اشخاص یکی از خصوصی‌ترین نمادهای شاخص یک فرد و حتی یک ملت هستند. نام‌ها در سراسر زندگی با ما بوده و تغییر نام به دلایل گوناگون شخصی، فرهنگی یا مذهبی اگرچه ممکن است اما کار چندان طبیعی و معمولی نیست (لاوسون، ۱۹۸۴: ۵۵).

مهمترین کارکرد نام هویت‌بخشی به فرد در جامعه است. طبق آنچه احمدی (۱۳۸۸) می‌آورد، اریکسون^۹، روان‌شناس سوئدی، هویت را فرایندی می‌داند که امری فردی و در عین حال اجتماعی است. بدین ترتیب، اریکسون میان اجتماع و فرد نوعی رابطه برقرار می‌کند (احمدی، ۱۳۸۸: ۴۱). جامعه‌شناسان هویت را عبارت از احساسی می‌دانند که فرد در جامعه به آن دست می‌یابد و سپس با تکیه بر اشتراکات یا تفاوت‌هایی که با گروه‌های دیگر دارد، به درک احساس هویت مستقل می‌رسد. هویت فرایند پاسخگویی آگاهانه فرد به مجموعه‌ای از پرسش‌ها درباره خودش می‌باشد، مثلاً درباره گذشته‌اش و اینکه او کیست، کجا بوده، چه بوده، چه هست و به چه قبیله، نژاد و یا ملتی تعلق دارد، منشأ اصلی‌اش کجاست و در پی‌ریزی و توسعه تمدن جهانی چه نقشی داشته است (قمری و حسن‌زاده، ۱۳۸۹: ۱۵۶).

در دوران ساسانیان و در میان زرتشتیان رسم بود که هرگاه مادری زایمان می‌کرد و نوزادی به دنیا می‌آورد، پیش از آنکه برای نخستین بار پستان به دهانش بگذارند، موبد ویژه‌ای را خبر می‌کردند. موبد دعای ویژه‌ای در گوش نوزاد زمزمه می‌کرد و او را به نامی که برایش نهاده بودند، می‌نامید و آنگاه کودک را با پراهوم یا آب هوم تقدیس می‌کرد و بر سرش آب هوم می‌ریخت و این همان رسمی است که مسیحیان به نام غسل تعمید انجام می‌دهند. هرگاه این مراسم در نخستین روز تولد در مهرگان انجام می‌شد، نام نوزاد می‌بایست با نام مهر هم‌وند می‌شد (بهرامی، ۱۳۸۳). اما پس از اسلام هر یک از فرهنگ‌های موجود در ایران برای خود رسومی اجرا کرده‌اند که گاه با هم بسیار متفاوت است. این رسوم بسیار مفصل‌اند که در اینجا تنها به ذکر خلاصه‌ای از آن اکتفا می‌شود. در خراسان شب ششم را با خواندن ورد و دعا جشن می‌گیرند. صورت و بدن نوزاد را با باروت سیاه می‌کنند تا اجنه از آن بترسند و نوزاد را عوض نکنند. هفت سوزن روی لچک نوزاد و هفت سوزن دیگر بر لچک زانو می‌گذارند تا آل از سوزن‌ها بترسد و به آنها نزدیک نشود. دعای هفت قل (سوره قرآن که با قل شروع

7. K. Agyekum
8. E. D. Lawson
9. E. Erikson

شود) را می‌خوانند و ... یکی از ریش‌سپیدان در گوش راست نوزاد اذان و در گوش چپش اقامه و به میل خود نام یکی از ائمه اطهار را روی کودک می‌گذارد. در کردستان نام‌ها بیشتر از دل طبیعت گرفته شده یا معنا و روحی حماسی دارند. والدین برای دور نگه داشتن آل چاقویی کوچک بر بالین زن زائو می‌گذارند و تکه پارچه‌ای نیز از خانواده‌ای می‌گیرند که شایع بوده زمانی آل را اسیر کرده‌اند. مراسم شب هفتم با نواختن موسیقی کردی همراه است. سرمه به چشمان نوزاد می‌کشند و ریش‌سپید خانواده سورۀ حمد را سه بار در گوش راست و سه بار در گوش چپ می‌خواند و نام نوزاد را بر زبان می‌آورد (یاریان، ۱۳۹۲). مراسم بر گهواره نهادن نوزاد 'گویزه بانه' نام دارد که خاص کودکان پسر است. در آذربایجان پس از تولد نوزاد، در شب یازدهم که نه سیزدهم است تا بدیمن باشد و نه هشتم و نهم که چشم شور به او گزندی برساند، با برگزاری مراسمی ویژه، کودک را نام‌گذاری می‌کنند. آنها نیز برای دور بودن آل چاقویی پشت سر زائو می‌گذارند. آذری‌ها اغلب دو نام برای فرزند در نظر می‌گیرند و اگر نوزاد دردانه باشد، بیش از ده نام. در فرهنگ آذری با غنای زبانی زیادی روبه‌رو هستیم که علاوه بر ساخت موسیقایی زیبا بار معنایی عمیق و مثبتی نیز دارند. در میان ترکمن‌ها همان‌گونه که قوجق (۱۳۹۱) می‌نویسد، نام افراد زنده را بر کودکان نمی‌گذارند، زیرا در فرهنگ آنها معنای خوبی ندارد و به معنای خواست مرگ برای آن فرد است. آنها بین ۳ تا ۱۰ روز، روزی را برای نام‌گذاری انتخاب کرده و معتقدند خدا پس از نام‌گذاری کودک، سرنوشت وی را خواهد نوشت. در بلوچستان سه روز پس از تولد در مراسم غسل و شستن کودک، زنان حاضر می‌شوند و با چای و شیرینی از آنها پذیرایی می‌شود. در شب ششم که ششگانی گفته می‌شود و تا صبح بیدار می‌مانند، نامی برای او انتخاب می‌کنند. اگر نوزاد پسر باشد، پدر یا پدربزرگ و اگر نوزاد دختر باشد مادر یا مادربزرگ نام وی را انتخاب می‌کنند (ناصری، ۱۳۷۸). خداجو یوسفی (۱۳۸۹) می‌نویسد نام‌گذاری یک امر و دستگاه ارزشی است. برای نمونه نام‌گذاری از طریق لای کتاب مقدس را باز کردن، نام‌گذاری با عنایت به خوابی که دیده شده (توجه به الهام از ماوراءالطبیعه و نقش نیروی فوق مادی در نام‌گذاری)، نام‌گذاری با نام‌های مستعار و القابی که گروه خانواده یا دوستان به فردی می‌دهند و نمونه بارز آن نام‌های هنری و غیره می‌باشند. از همان منبع قرشی در نام‌گذاری ارزشی به قدرت جادویی نام‌ها اشاره می‌کند که حتی در جوامع پیشرفته کنونی نیز هنوز به آن توجه می‌شود و اینکه قدرت آنها تا اندازه‌ای است که می‌توانند سرنوشت فرد یا قوم یا حتی ملتی را دگرگون کنند و آینده را رقم بزنند. یک نام می‌تواند قدرتی را به نام پذیرنده بدهد یا نیرویی را از او سلب کند. در چنین اندیشه‌ای هماهنگی نام بامسمی بسیار حائز اهمیت است. زیرا این

نام علاوه بر قدرت جادویی که دارد، حامل معانی بسیار و مبین‌شان، مقام، جایگاه، حرفه، مهارت و ... مسمی است. علاوه بر جادوی نام‌گذاری، یکی دیگر از عواملی که در سیستم نام‌گذاری ارزشی وجود دارد، بیان مناسبت است. در علم نام‌شناسی این نکته نیز مورد توجه قرار می‌گیرد که هر اجتماعی در ادوار مختلف تاریخی خود شبکه‌هایی از ارزش‌ها و معیارها دارد که در سیستم نام‌گذاری مؤثر است و از آنجا که جوامع مختلف بشری در حال تحول است، مفاهیم، واژه‌ها و معانی اسامی نیز در حال تغییر هستند (خداجو یوسفی، ۱۳۸۹: ۱۸).

۴- یافته‌های تحقیق

همان گونه که در بخش مقدمه ذکر شد، داده‌ها با توجه به ریشه و خاستگاه خود ابتدا در چهار گروه هویتی نام‌های ملی، مذهبی، کردی و فراملی طبقه‌بندی شدند. در مرحله بعد، این طبقه‌بندی ریزتر شده و هر کدام از گروه‌های هویتی ملی و کردی نیز با توجه به ویژگی‌های معنایی خود به مقوله‌های دیگری مانند نام‌های کهن و شاهنامه‌ای، نام‌های برگرفته از طبیعت، نام مشاهیر و نام‌های مفهومی تقسیم شدند.

۴-۱- نام‌ها و هویت‌های چندگانه

نام‌های ملی

منظور از این نام‌ها، نام‌هایی هستند که از نظر معناشناختی به زبان فارسی مربوط بوده و دارای ریشه فارسی و نام شخصیت‌های ملی، تاریخی و اساطیری ایران هستند. دانا، دارا، ستاره یا نیلوفر و یا نام‌های کهن مانند کوروش و همچنین نام شخصیت‌های علمی و فرهنگی که تحت عنوان نام مشاهیر قرار می‌گیرند.

نام‌های مذهبی

نام‌های خداوند که در کتب مختلف دینی از آنها یاد شده، نام‌ها و القاب پیامبر (ص) و امامان و به طور کلی شخصیت‌های دین اسلام و سایر ادیان در این گروه گنجانده می‌شوند. نام محمد، علی، ابوبکر، عایشه و نام‌هایی مانند ابراهیم، صالح، یوسف، داوود، سلیمان، سارا، آسیه، مریم، یعقوب، ایوب، کنعان یا موسی و عیسی ...

نام‌های کردی

کلیه نام‌هایی که مربوط به زبان و فرهنگ کردی است، در این گروه جای داده شده‌اند. هیمن، روژان، گلاویژ، شیرکو، تارا، دنلیا و ...

نام‌های فراملی

نام‌های خارجی در این دسته قرار می‌گیرند. البته این دسته غیر از نام‌های مذهبی است که علی‌رغم خارجی بودن به دلیل تعلقات دینی افراد در گروه جداگانه‌ای قرار دارند. این نام‌ها شامل نام‌های اروپایی مانند (تایا، دیانا)، ترکی (آیدا، ارسلان، سولماز)، نام‌ها با ریشه عربی و با مفهوم غیرمذهبی (متین، تینا، شکایلا، لیلیا) و غیره هستند.

زیرمقوله‌های نام‌های ملی و کردی

مقوله نام‌های کهن یا شاهنامه‌ای

در این مقوله‌بندی به نام‌هایی اشاره می‌گردد که مربوط به تاریخ ایران باستان هستند یا نام شخصیت‌های اسطوره‌ای و پهلوانانی که در شاهنامه آورده شده‌اند. نام‌های پسرانه از این دست در مقایسه با نام‌های دخترانه از این مقوله از فراوانی بیشتری برخوردارند. نام‌هایی مانند کوروش، داریوش، فرهاد و نیز نام‌هایی چون سهراب و سیاوش برای پسران ... و نام‌های منیژه، میترا و یا تهمینه در این مقوله واقع می‌شوند. در مورد نام‌های کردی ضمن مراجعه به شاهنامه کردی و سایر کتب در این زمینه با مترجمان کرد آثار نویسندگان قدیمی مانند هرودوت، گزنفون، استرابو و بورکای جهت پرسش از خاستگاه تعدادی از نام‌ها مشورت صورت گرفت. در این بخش نام پادشاهان سلسله ماد که بر اساس مینورسکی (۱۳۸۰) و آثار ذکرشده، کردها را از نوادگان آنها می‌خوانند، و نام سران یا سرداران کرد پیش از اسلام، در مقوله نام‌های کهن کردی جای گرفتند. نام‌هایی مانند آرتین، دیاکو، هزیر، آکو، کاردو و ... و برای دختران نام‌های آوان، آرینا و دیلان و میدیا یا مدیا در این مقوله جای گرفتند.

مقوله مشاهیر

استفاده از نام شخصیت‌های ادبی، هنری، اجتماعی، علمی و نیز سیاسی برای نام‌گذاری، که ضرورتاً معاصرند نه کهن. در نام‌های فارسی نام‌هایی چون نیما، سینا (با وجود ریشه عربی) و در نام‌های کردی نام هژار، هیمن، بارزان، بوداق، پیشوا یا حتی اردلان نیز در این مقوله گنجانده شده است. نام‌های دخترانه در این مقوله بسیار ناچیز و غیرقابل بحث‌اند.

مقوله مفهومی

نام‌هایی که معنای واژگانی دارند و دارای بار معنایی مثبت و احیاناً منفی هستند، یا آن گونه که لاینز^{۱۰}

(۱۹۷۷) معتقد است، نمادین هستند یا معنای ضمنی دارند. معنای ضمنی ممکن است از یک فرهنگ به فرهنگ دیگر متفاوت باشد. گاهی این نام‌ها مصداق پدیده‌های غیرفرد هستند و این به ویژه در نام دختران مشهود است. برای مثال نام‌هایی مانند *پریا*، *پریسا*، *پریناز* یا *پریان* که به دلایل زیبایی‌شناختی یا شکوه و عظمت بخشیدن به دختران مورد استفاده قرار می‌گیرد و مفهوم نام به پری‌ها و فرشته‌ها ارجاع می‌دهد که در جهان خارج صورت عینی ندارند. نوع دیگر از این نام‌های واژگانی نام‌هایی مانند *دانا* برای پسران یا *فرزانه* برای دختران در فارسی و *زانا* و *هاوری* و *هوشیار* برای پسران در کردی و یا *دلنیا* یا *دلیار* و *تارا* برای دختران در کردی.

مقوله طبیعت یا نام‌های الهام‌گرفته از طبیعت

منظور آن دسته از نام‌ها هستند که به پدیده‌های طبیعی و گیاهان و اجرام آسمانی ارجاع می‌دهند. نام‌هایی مانند *نیلوفر*، *سحر*، *ستاره*، *اختر* و *مهتاب* برای دختران در فارسی و مقوله مکان به عنوان مقوله طبیعت برای پسران در این پژوهش در نظر گرفته شد که شامل نام‌هایی مانند *البرز* یا *سهند* در فارسی پسرانه می‌شود. در کردی نیز نام‌هایی مانند *روژین* (مانند روز)، *کانی* (سرچشمه) و *گزینه* (نام گل) و ... و نام‌هایی مانند *چیا* (کوه)، *آگر* (آتش) و نیز نام مکان‌ها مانند *ماردین*، *سیروان* و ... در این مقوله جای داده شده‌اند.

بر اساس داده‌های آماری نتایج حاصل به شرح زیر است:

نام‌های ملی (فارسی) به کلی ۳۴٫۸۴٪ از کل نام‌ها را به خود اختصاص داده‌اند. نام‌های ملی دخترانه ۳۵٫۷۵٪ از کل نام‌های دخترانه و نام‌های ملی پسرانه ۳۴٪ از کل نام‌های پسرانه را تشکیل می‌دهند. نام‌های ملی در سال‌های ۷۴ الی ۷۹، نیمه دوم دهه هفتاد، ۳۷٫۲۲٪ از کل نام‌ها را به خود اختصاص داده‌اند. این نام‌ها در سال‌های ۸۰ الی ۸۵، نیمه اول دهه هشتاد، ۳۲٫۵۲٪ از نام‌ها را به خود اختصاص داده‌اند. به این معنی که به کلی روند نام‌گذاری فرزندان با نام‌های ملی (فارسی) کاهش یافته است. در مرحله بعد بررسی داده‌ها که به تفکیک جنسیت‌ها و با توجه به زیرمقوله‌ها صورت گرفته است، روشن می‌شود نام‌های ملی (فارسی) پسران در زیرمقوله نام‌های کهن روندی افزایشی دارند. این نام‌ها از ۶۴٫۷۶٪ در سال‌های ۷۴ الی ۷۹ به ۶۸٫۲۲٪ در سال‌های بین ۸۰ تا ۸۵ رسیده‌اند. در زیر مقوله نام‌های مشاهیر نیز شاهد افزایش نام مشاهیر برای پسران (از ۶٫۹۵ به ۹٫۰۴) هستیم. بقیه مقوله‌ها یعنی مقوله مفهومی و نام‌های مربوط به طبیعت در پسران سیر کاهش داشته‌اند. نام‌های مفهومی از ۲۷٫۷۹ به ۲۲٫۴۸٪ کاهش یافته و نام‌های الهام‌گرفته از طبیعت جایگاه قابل ذکری در میان نام‌های پسرانه ندارند.

نام‌های ملی دخترانه در مقوله نام‌های مفهومی بیشترین فراوانی را داشته‌اند. پس از آن به ترتیب نام‌های الهام‌گرفته از طبیعت، کهن و مشاهیر قرار دارند. نام مشاهیر هیچ رقم قابل ذکری در نام‌های دخترانه ندارد. سیر گرایش‌ها در این مقوله‌بندی به این گونه است که استفاده از نام‌های کهن دخترانه از ۴,۰۴٪ در سال‌های ۷۴ الی ۷۹ به ۵,۳۶٪ در سال‌های ۸۰ الی ۸۵ رسیده است. بنابراین استفاده از نام‌های کهن ملی (فارسی) برای نام‌گذاری دختران روندی افزایشی داشته است. استفاده از نام‌های مفهومی از ۵۵,۵۱٪ به ۶۲,۸۰٪ افزایش یافته است. استفاده از نام‌های الهام‌گرفته از طبیعت برای نام‌گذاری دختران از ۴۶,۶۸٪ به ۳۲,۳۵٪ کاهش یافته است. نام مشاهیر هیچ رقم قابل ذکری جهت افزایش یا کاهش در مورد نام دختران ندارد. بالاتر بودن فراوانی و درصد اختصاص یافته به گروه ۱ (نام دختران) و نیز صفر بودن پی در آزمون خی ۲، که معنادار بودن تفاوت بین هویت‌ها با توجه به جنسیت را بیان می‌کند، نشان می‌دهد گرایش به نام‌گذاری دختران با استفاده از نام‌های ملی بیش از گرایش به آن برای جنس مقابل است. با تمام این‌ها استفاده از نام‌های ملی به کلی جهت نام‌گذاری کودکان در مهاباد برای هر دو جنس روندی کاهشی دارد.

نام‌های مذهبی به طور کلی ۲۸,۵۴٪ از کل نام‌ها را تشکیل می‌دهند. نام‌های مذهبی دخترانه ۱۹,۰۸٪ از کل نام‌های دخترانه و نام‌های مذهبی پسرانه ۳۸٪ از کل نام‌های پسرانه را تشکیل می‌دهند. نام‌های مذهبی در سال‌های ۷۴ الی ۷۹، نیمه دوم دهه هفتاد، ۲۹,۸۵٪ از کل نام‌ها را تشکیل داده که در سال‌های ۸۰ الی ۸۵، نیمه اول دهه هشتاد، به ۲۷,۰۸٪ کاهش یافته است. نتایج حاصل از داده‌های آماری نشان می‌دهند فراوانی نام‌های گروه ۱ (ملی) ۱۶۳۳ و بالاتر از مقدار مورد انتظار و ۳۴,۸۷٪ اختصاص یافته از نسبت کل، و فراوانی گروه ۲ (نام‌های مذهبی) ۱۳۳۳ و درصد اختصاص یافته به آنها ۲۸,۴۷ کمتر از گروه ۱ است و معنادار بودن سطح تفاوت این دو گروه را با توجه به صفر بودن پی نشان می‌دهد. به زبان غیرآماري به این معنا که نام‌گذاری فرزندان با استفاده از نام‌های مذهبی در مهاباد کمتر از نام‌های ملی است. نام‌های با هویت مذهبی در پسران بیش از دختران است. با توجه به نتایج حاصل از آمار استنباطی پی مساوی با صفر بوده که کمتر از میزان پیش فرض است. فرض اینکه گروه ۲ (نام‌های مذهبی پسرانه) ۰/۵۰٪ از نسبت کل را به خود اختصاص دهد، رد می‌شود. فراوانی مشاهده‌شده در گروه ۲ (مذهبی) بیش از مقدار مورد انتظار است. فراوانی مشاهده‌شده در گروه ۱ (مذهبی دخترانه) کمتر از مقدار مورد انتظار است. علاوه بر آن نتایج نشان می‌دهد فراوانی نام‌های گروه ۲ (پسرانه مذهبی) ۸۸۲ و درصد آن ۳۷,۹۵ بوده در حالی که فراوانی نام‌های گروه ۱ (دخترانه مذهبی)، ۴۵۰ و

درصد مربوط به آن ۱۹,۰۸ است. با توجه به تفاوت فراوانی‌ها و درصدها و نیز صفر بودن مقدار پی که کمتر از مقدار پیش‌فرض است، اثبات می‌گردد اولاً نام‌گذاری با استفاده از نام‌های مذهبی برای پسران بیش از جنس مقابل است و دوم آنکه فراوانی مشاهده‌شده برای گروه ۲ (نام‌های مذهبی) در سطح اول (سال‌های ۷۴ الی ۷۹) بیش از مقدار مورد انتظار است. فراوانی مشاهده‌شده برای گروه ۲ (نام‌های مذهبی) در سطح ۲ (سال‌های ۸۰ الی ۸۵) کمتر از میزان مورد انتظار است. با توجه به تفاوت فراوانی‌ها و درصدها و نیز صفر بودن مقدار پی می‌توان گفت روند نام‌گذاری در استفاده از نام‌های مذهبی برای هر دو جنس در مهاباد سیری کاهشی دارد.

نام‌های کردی به طور کلی ۲۱,۱۱٪ از کل نام‌ها را تشکیل داده‌اند که ۲۵,۷۸٪ آن نام‌های کردی دخترانه از کل نام‌های دخترانه بوده و ۱۶,۴۴٪ آن نام‌های کردی پسرانه از کل نام‌های پسرانه است. نام‌های کردی در سال‌های ۷۴ الی ۷۹، نیمه دوم دهه هفتاد، ۱۷,۳۹٪ از کل نام‌ها را به خود اختصاص داده‌اند. این نام‌ها در سال‌های ۸۰ الی ۸۵، نیمه اول دهه هشتاد، ۲۴,۹۴٪ از نام‌ها را به خود اختصاص دادند. نتایج حاصل از آمار استنباطی نشان می‌دهد پی مساوی با صفر است که کمتر از میزان پیش‌فرض بوده و معنی دار بودن سطح تفاوت در این هویت را به تفکیک جنس نشان می‌دهد. فرض اینکه گروه ۱ (دخترانه کردی) ۵۰٪ از نسبت کل را به خود اختصاص می‌دهند، پذیرفته می‌شود. مقدار فراوانی مشاهده‌شده در گروه ۱ (دخترانه کردی) بیش از مقدار مورد انتظار است و همین امر در مورد گروه ۲ (پسرانه کردی) کمتر از مقدار مورد انتظار است. علاوه بر آن نتایج آماری، فراوانی نام‌های گروه ۱ (دخترانه) را ۶۰۸ و درصد مربوط به آن را ۶۱,۳۲ و فراوانی نام‌های گروه ۲ (پسرانه) را ۳۸۴ و درصد اختصاص یافته را ۳۸,۷۴ نشان می‌دهند. بالاتر بودن فراوانی و درصد اختصاص یافته به گروه ۱ (دختران) و معنادار بودن سطح تفاوت با توجه به صفر بودن پی اثبات می‌کند نام‌گذاری فرزندان دختر با استفاده از نام‌های کردی بیش از جنس مقابل است. در همین گروه (کردی) فراوانی مشاهده‌شده در سطح ۱ (سال‌های ۷۴ الی ۷۹) کمتر از مقدار مورد انتظار است و در سطح ۲ (سال‌های ۸۰ الی ۸۵) فراوانی مشاهده‌شده بیشتر از مقدار مورد انتظار است. فرض اینکه نام‌های (کردی) ۵۰٪ از نسبت کل را به خود اختصاص دهند، در سطح ۱ (سال‌های ۷۴ الی ۷۹) رد و در سطح ۲ (سال‌های ۸۰ الی ۸۵) پذیرفته می‌شود. نتیجه آماری نیز برای این گروه (کردی) نشان می‌دهد فراوانی نام‌ها در این گروه در سال‌های ۷۴ الی ۷۹ برابر با ۴۰۸ و درصد آن ۴۱,۱۷ بوده، در حالی که فراوانی نام در سال ۸۰ الی ۸۵ برابر با ۵۸۴ و درصد آن ۵۸,۹۳ است. با توجه به تفاوت مشاهده‌شده در دو سطح مورد بررسی و صفر بودن

مقدار پی که معنادار بودن تفاوت را می‌رساند، اثبات می‌گردد روند نام‌گذاری فرزندان در شهر مهاباد با استفاده از نام‌های کردی افزایشی است. در مرحله بعد که به بررسی زیرمقوله‌ها مربوط می‌شود، در برگزیدن نام‌های کردی پسرانه میل به انتخاب نام‌های کهن، مفهومی و مشاهیر سیری افزایشی دارد و سیر گرایش به نام‌های الهام‌گرفته از طبیعت ثابت بوده و تغییری قابل ذکر در آن به چشم نمی‌خورد. نام‌های کهن از ۱۱,۷۲٪ در دوره دوم دهه هفتاد به ۱۳,۰۳٪ در دوره اول دهه هشتاد افزایش یافته‌اند. از سوی دیگر، در مقوله نام‌های مفهومی از گروه نام‌های کردی نیز روندی رو به افزایش از ۵۱,۰۳٪ به ۵۴٪ قابل مشاهده است. ضمن آنکه نام مشاهیر نیز از ۱۳,۷۹٪ به ۱۸,۹۱٪ افزایش یافته‌اند. در نام‌های محلی دخترانه، گرایش به نام‌های کهن و مفهومی افزایش یافته است. نام‌های کهن دخترانه از ۴,۱۸٪ در نیمه دوم دهه هفتاد به ۸,۹۹٪ در نیمه اول دهه هشتاد افزایش یافته‌اند. این افزایش در نام‌های مفهومی نیز مشاهده می‌گردد. این مقوله از نام‌ها از ۴۰,۹۸٪ به ۴۴,۹۱٪ رسیده است. اما در مقوله طبیعت نام دختران روندی کاهشی از خود نشان می‌دهد. این مقوله از نام‌های کردی دخترانه از ۵۳,۹۹ به ۴۵,۵۰ کاهش یافته است. در مورد نام مشاهیر روند قابل ذکری وجود ندارد. نام‌های برآمده از هویت کردی در نام‌گذاری دختران بیشتر از پسران است. نتایج حاصل از آمار استنباطی نشان می‌دهد پی مساوی با صفر است که کمتر از میزان پیش‌فرض بوده و معنی دار بودن سطح تفاوت در انواع هویت‌ها را به تفکیک جنس نشان می‌دهد. استفاده از نام‌های کردی جهت نام‌گذاری کودکان در مهاباد روندی افزایشی دارد. نام‌های فراملی به طور کلی ۱۵,۴۸٪ از کل نام‌ها را تشکیل داده‌اند. این نام‌ها در سال‌های ۷۴ الی ۷۹، نیمه دوم دهه هفتاد، ۱۵,۵۲٪ از کل نام‌ها و در سال‌های ۸۰ الی ۸۵، نیمه اول دهه هشتاد، ۱۵,۴۴٪ از نام‌ها را تشکیل می‌دهند. استفاده از این نام‌ها به کلی در نام‌گذاری فرزندان شهر مهاباد رو به کاهش است. اما آمار به تفکیک جنسیت در نام‌گذاری دختران روندی رو به رشد را بیان می‌کند. در واقع گرایش به انتخاب این گونه نام‌ها برای فرزندان دختر در مهاباد افزایشی است. این نام‌ها که کمترین میزان فراوانی را در میان سایر هویت‌های مورد بحث دارند، از نظر فراوانی ۷۲۵ و درصد آن ۱۵,۴۸ در میان کل نام‌های گردآوری شده می‌باشند. نتایج حاصل از آمار استنباطی نشان می‌دهند پی مساوی با صفر است که کمتر از مقدار پیش‌فرض است. فرض اینکه گروه ۱ (فراملی دخترانه) ۵۰٪ از نسبت کل را به خود اختصاص دهد، رد می‌شود. در گروه ۱ فراوانی مشاهده شده کمتر از مقدار مورد انتظار است. این در حالی است که در گروه ۲ (فراملی پسرانه) فراوانی مشاهده شده نیز از مقدار مورد انتظار کمتر است. با این تفاوت که کمتر بودن این فراوانی‌ها از میزان مورد انتظار به این گونه است که فراوانی گروه

۱ (دخترانه) ۴۵۸ و درصد آن ۱۹,۳۸ از نسبت کل بوده و فراوانی گروه دوم (پسرانه) ۲۶۸ و درصد آن ۱۱,۵۳ از نسبت کل است.

۵- بحث و نتیجه‌گیری

زبان رسمی و ملی در ایران زبان فارسی است. تأثیرگذاری این زبان بر ابعاد زندگی مردمی که دارای زبان‌ها و فرهنگ‌های مختلف در ایران هستند، آشکار و مبرهن است. نام به عنوان یک عنصر زبانی و فرهنگی و نماد هویتی از این تأثیرگذاری به دور نمانده است. زبان فارسی از یک سو به دلیل رسمی بودن و از سوی دیگر، اگر از دریچه تحول نظام اجتماعی به آن بنگریم، به مفاهیمی همچون قدرت، ایدئولوژی، آموزش، روابط اجتماعی و نهادهای اجتماعی که با حوزه زبان ارتباط دارند، مانند مدرسه، دانشگاه، رسانه‌های جمعی و احزاب نیز مربوط می‌گردد. رابطه میان زبان و قدرت رابطه‌ای دوجانبه است و هر یک بر دیگری تأثیرگذار هستند. هر کس که صاحب قدرت باشد، می‌تواند از طریق زبان آن را بر دیگری اعمال کند. این قدرت از طریق منزلت اجتماعی، ثروت، تحصیلات، درآمد و ... حاصل می‌شود و آنچه زبان قدرت را نهادینه می‌کند، ساختارها هستند. قدرت و ساختار رابطه پویایی با یکدیگر داشته و قدرت اساس کنش فردی و سازمان اجتماعی را تشکیل می‌دهد. قدرت، ساختار سلسله‌مراتبی و هرمی دارد به این معنی که رأسی دارد و کسانی هستند که زیر این هرم قرار می‌گیرند. نوع دوم قدرت فردی است که به دلیل مرتبط نبودن از شرح آن صرف‌نظر می‌کنیم. اما نوع سوم قدرت قدرتی است که در واقع نه فردی است و نه به خاطر قرار گرفتن در نظام اداری و سیاسی، بلکه به خاطر قرار گرفتن در انواع گروه‌های اجتماعی مثل گروه‌های جنسیتی یا گروه‌های قومیتی یا نژادهای مختلف به دست می‌آید، مثل قدرتی که کسی به خاطر سفیدپوست بودن به دست می‌آورد در مقابل سیاه‌پوستان. این واقعیت‌ها درباره زبان را نمی‌توان در امر مهمی مانند نام‌گذاری دست کم گرفت. هر آنچه در نتیجه تحرک زبانی باشد و در نتیجه انتقال تفکر به وسیله زبان صورت گیرد، در چارچوب زبان قرار می‌گیرد. به عبارت دیگر، کنش گفتاری نیز در چارچوب زبان قرار می‌گیرد. در این چارچوب عاملان و کارگزاران هر نظام سیاسی، جهت تقویت هژمونی خود به دستگاه ایدئولوژیک یا گفتمانی نیاز دارد که به وسیله آن قوام جامعه را تضمین نماید و در این فرایند و در جریان جامعه‌پذیری سیاسی به آموزش زبانی نیاز هست که به وسیله آن مفاهیمی به مردم در جهت یکپارچه‌سازی معانی رسمی انتقال یابد که در سیستم‌های متمرکز این ارتباط و انتقال یک‌سویه و یک‌طرفه است. از نظر جامعه‌شناسان زبان زمانی که کودک از همان شروع زندگی اجتماعی‌اش تحت زبان دیگری تعلیم می‌یابد، دچار تحقیر

می‌شود. انعکاس این تحقیرگشتگی بر تمامی عرصه‌های فکری، روانی، سیاسی و اجتماعی‌اش امری همیشگی خواهد شد. بدیهی‌ست که جوامع فرودست به دلیل همین حس و تفکری که به مرور در آنها نهادینه می‌شود، از سخن گفتن به زبان مادری خود و یا از بروز رفتارهای مربوط به فرهنگ خود فاصله بگیرد و نام و لقب و عنوان نیز به مثابه نشانه‌های زبانی که عامل مهمی در انتقال اطلاعاتی از قبیل هویت و نژاد و زبان هستند، از این امر متأثر خواهند شد.

عامل بسیار مهم دیگری که در میزان قدرت زبانی مؤثر است و به همان نسبت در امر نام‌گذاری نیز مؤثر است، عامل جنسیت است. واژه جنسیت^{۱۱} یک مقوله اجتماعی و هم ساخته^{۱۲} می‌باشد و از واژه جنس^{۱۳} که عموماً برای بیان همان مقوله فقط از دیدگاه زیست‌شناسی به کار می‌رود، متفاوت است. جنسیت مشمول رفتارها، نقش‌ها، کنش‌ها و اندیشه‌های اجتماعی است که فرهنگ حاکم بر هر جامعه به عهده دو جنس زن و مرد می‌گذارد و در ارتباط با نقش‌های جنسیتی، افکار قالبی در مورد هر دو جنس در جامعه مشاهده می‌شود که دامنه انتظارات را از هر دو جنس طرح ریخته و تعیین می‌کند و در راستای دو مقوله جنسیت و نقش‌های جنسیتی، قشربندی‌های جنسیتی در جامعه پدیدار می‌شود که عمدتاً مربوط به پاداش‌هایی از قبیل توزیع قدرت، ثروت، وجه، آزادی‌های فردی و اقتصادی می‌شود که هر عضوی از جامعه بنا بر موقعیت خود در هرم سلسله‌مراتبی حاضر در جامعه از آن بهره می‌برد (نرسیسیانس، ۱۳۹۰: ۹-۱۰). نکته‌ای که در این مورد در ارتباط با امر نام‌گذاری مطرح می‌گردد، این است که در دسته‌بندی نام‌های ملی استفاده از نام‌های کهن و مشاهیر و نیز مذهبی برای پسران بیش از آنچه است که برای دختران به کار گرفته می‌شود. به نظر می‌رسد نام فرزندان پسر عامل مهمتری در تعیین هویت‌های ملی و مذهبی خانواده است؛ و همچنین به دلیل مردم‌محور بودن جوامع امکان رشد و پرورش مردان برای کسب نقش‌های اجتماعی و سیاسی و علمی مهم فراهم‌تر بوده و لذا در بخش نام مشاهیر فراوانی نام پسران از درجه بالاتری برخوردار بوده و برای دختران طبق آمار حاضر در حد نبودن است. بر خلاف نام دختران که عموماً با الهام از عناصر موجود در طبیعت برگزیده می‌شود و صرفاً معیارهای زیبایی‌شناختی و خوش‌آوایی در آن در نظر گرفته می‌شود، نام پسران بر اساس مفهوماتی خشک‌تر انتخاب می‌گردد. در گرایش به انتخاب نام‌های ملی کهن در پسران می‌توان به دلیل رشد نمادگرایی که عبدی از زبان روشه به آن می‌پردازد نیز اشاره نمود. از نظر روشه (۱۳۶۷)، به نقل از

11. gender

12. constructed

13. sex

عبدی، ۱۳۸۲) کنش اجتماعی کاملاً و دائماً در نمادگرایی غوطه‌ور است و نمادها در رابطه با کنش اجتماعی دو کارکرد اساسی دارند: کارکرد ارتباطی و کارکرد مشارکتی. نخستین کارکرد همان است که به وسیله نمادگرایی در انتقال پیام میان دو یا چند فرد به کار گرفته می‌شود و دومین کارکرد همان است که به وسیله نمادگرایی به احساس تعلق به گروه یا جماعت کمک می‌کند و یا آن را برمی‌انگیزد. از نظر روش کارکرد مشارکت چهار شکل اساسی دارد، نمادهایی که همبستگی را ممکن می‌سازند تا به اعضای جماعات یادآوری نمایند که به آن جماعت تعلق دارند و آنها را از دیگران متمایز می‌کنند، این نمادها نه تنها جماعت را به طور عینی نمایش می‌دهند، بلکه می‌توانند کمک کنند تا احساسات و تعلق و همبستگی اعضاء را برانگیزند و حفظ کنند (عبدی، ۱۳۸۲: ۱۱). با توجه به موضوعی که در ارتباط با زبان و قدرت مطرح گردید، نمادها و مفاهیم همان می‌توانند باشند که قدرت با استفاده از ابزار زبان آن را به جامعه تحت حاکمیت خود منتقل می‌نماید.

علاوه بر آنچه بیان گردید، طبق داده‌ها و نتیجه‌گیری در پژوهش علی‌نژاد و طیب (۱۳۸۲)، دلیل گرایش به نام‌های مذهبی اعتقادات دینی و روحیات مذهبی در خانواده است. دلایل دیگری نیز قابل ذکراند، از جمله اینکه این گرایش در ایران می‌تواند بیانگر نوعی هژمونی سیاسی - مذهبی و فرهنگی نیز باشد. گرامشی^{۱۴} (۱۹۷۱) معتقد است هژمونی به مفهوم تسلط یک طبقه نه تنها از نظر اقتصادی بلکه از جنبه‌های اجتماعی، سیاسی و ایدئولوژیک نیز است. درباره زبان، ویدوسان^{۱۵} (۱۹۹۸) معتقد است زبان فی‌نفسه حائز ویژگی هژمونیک نیست، چرا که اگر دارای یک قدرت امپریالیستی باشد، نمی‌توان این قدرت ماورای کنترل را به چالش کشید؛ بنابراین کاربران زبان هستند که از آن به عنوان یک ابزار هژمونیک استفاده می‌کنند. با این حال آیا می‌توان گفت تفوق فرهنگ اسلامی در مناطق ما و تأثیر آن به ویژه بر پدیده نام و امر نام‌گذاری کودکان بنا به این دلیل باشد؟ ترپانیه^{۱۶} (۱۹۹۱) می‌گوید: هژمونی چیزی بیش از تفوق صرف یک عنصر به عنصر دیگر است؛ به بیان دیگر، عامل پذیرش است که شالوده این مفهوم را می‌سازد. هژمونی ضرورتاً با دیکتاتوری همراه نیست، اما نیاز به قدرت دارد. این قدرت آن گونه که هانتز (۲۰۱۴) می‌گوید می‌تواند منابع یا سرچشمه‌های متفاوتی داشته باشد. برای مثال پیروی از یک فرهنگ به دلیل احترام اخلاقی یا باور به برتری ارزش‌های آن. نکاتی که عنوان گردید، می‌توانند عواملی برای فراوانی نام‌های مذهبی در مقایسه با نام‌های کردی باشند و در

14. A. Gramsci

15. H. Widdowson

16. R. Trepanie

پژوهش‌های دیگر نیز انتخاب نام‌های عربی به دلیل باورهای خاص مذهبی ذکر شده است. اما همان‌گونه که اشاره شد، نام‌های مذهبی پسرانه فراوانی چشمگیرتری نسبت به نام‌های مذهبی دخترانه دارند. بنابراین طبق آنچه ذکر شد، جنسیتی که یکی از هویت‌های مورد احترام یا ارزشمند جامعه را نمایندگی می‌نماید، مرد است. در نام‌گذاری یکی از راه‌هایی که به یک خانواده مذهبی با تفکر سنتی کمک می‌کند تا هویت مذهبی خود را بروز، تداوم یا به نسل بعدی منتقل نماید، برگزیدن نامی مذهبی از نوع اسما حسنی، جلاله و نام پیامبران و امامان و شخصیت‌های دینی، برای فرزندان خود است. در انتخاب نام دختران این حساسیت وجود ندارد. کمتر انتخاب شدن نام‌های مذهبی برای دختران به دلیل اهمیتی که مذهب در جامعه دارد، می‌تواند نشان از موقعیت فرودست زنان که اسپندر^{۱۷} (۱۹۸۰) به آن اشاره دارد، باشد. زنان بیانگر هویت‌های مطرح و مهم در جامعه نیستند. طبق تحقیقی که باستانی (۱۳۸۷: ۸۰-۹۸) انجام داده است، می‌توان گفت آنچه این تفاوت‌ها را در نگرش به جنسیت‌ها باعث می‌گردد، کلیشه‌ها هستند. کلیشه‌ها همیشه انعکاس‌دهنده واقعیات موجود نیستند. کلیشه‌ها هستند که شاید باعث می‌گردند نقش‌های فرعی و درجه دوم به زنان واگذار گردد (گرت، ۱۳۸۰: ۷۹-۱۱۸؛ باستانی، ۱۳۸۷: ۵۳).

بررسی نام‌های ملی در این پژوهش به تفکیک جنسیت و مقوله‌بندی‌های مختلف آن در هر دو جنس در مواردی با یافته‌های پژوهش میرخلیل‌زاده ارشادی (۱۳۷۲: ۸۴-۱۰۷) و علی‌نژاد و طیب (۱۳۸۲: ۲۳-۵۸) که نشان دادند فراوانی نام‌های مذهبی (عربی در پژوهش‌های مذکور) در نام‌گذاری پسران بیش از دختران است، مطابقت دارد. با این تفاوت که این پژوهشگران در پژوهش خود نام‌های عربی مذهبی و غیرمذهبی را از هم جدا نکرده و در نتیجه در آن پژوهش نام‌های عربی رتبه یکم را داشته و نام‌های ملی در پس آن قرار گرفته است. اما در پژوهش حاضر نام‌هایی که از نظر معناشناختی دینی نبوده و تنها ریشه عربی داشته‌اند، در گروه نام‌های فراملی قرار گرفته‌اند.

در خصوص افزایش گرایش پدران و مادران مهابادی برای انتخاب نام‌های کردی می‌توان به این نکته اشاره نمود که این گرایش طبق آنچه عبدی (۱۳۸۲) در پژوهش خود در مورد نام‌های کردی به آن اشاره می‌نماید، بسیار پیشتر از سال ۱۳۷۴ شروع شده است. طبق یافته‌های عبدی طی حدود یک دهه از ۱۳۵۵ الی ۱۳۶۵ اسامی کردی از حدود ۱٪ کل اسامی پسران به حدود ۱۵٪ رسیده است که با ثباتی چندساله مجدداً افزایش یافته و به حدود ۲۰٪ کل اسامی پسران در ۱۳۷۷ رسیده است. طبق همان یافته‌ها اسامی با ریشه کردی نزد زنان از حدود ۲/۵٪ در دهه ۳۰ به حدود ۸/۵٪ در دهه ۵۰ رسیده

است و این روند افزایشی در دهه ۶۰ در نام‌گذاری کودکان دختر مشاهده می‌گردد به اندازه‌ای که در پایان این دهه به حدود ۳۰٪ افزایش می‌یابد که افزایش چشمگیری است (عبدی، ۱۳۸۲: ۱۳۶). این گرایش به طور مستقیم می‌تواند نتیجه وجود تغییر و تحولات سیاسی و اجتماعی باشد که بخصوص در این ناحیه جغرافیایی به دلیل سوابق تاریخی و استراتژیک بودن در مقایسه با مناطق دیگر باشد. از سوی دیگر، پدیده جهانی شدن و دسترسی به اطلاعات از راه تکنولوژی عامل مهم دیگری در پرداختن مجدد به هویت و بازیابی و بازسازی آن است. ملیت از انواع هویت‌های اجتماعی مدرن است که به واسطه شرایط جهانی شدن بعد تازه‌ای به خود گرفته و از لاک محلی بودن و منطقه‌ای بودن بیرون آمده است.

به نظر می‌رسد جهانی شدن در مورد هویت ملی و هویت قومی در کردستان ایران بیشترین تأثیرش را از طریق تخریب هویت‌های پیشین و شکستن تصورات قالبی از قوم گذاشته باشد و باعث شده با تزریق خون فرهنگی جدیدی، عناصر هویتی فرهنگ‌ها را به تکاپو وادارد. کردها به بازسازی خود و اهداف خود از راه‌های گوناگون می‌پردازند (همان). یکی از این راه‌ها را می‌توان پرداختن به شکلی حساس‌تر از گذشته به امری ارزشی چون پدیده نام‌گذاری بر فرزندان دانست. مرحله بحران هویت مرحله‌ای اجتناب‌ناپذیر در بازسازی هویتی است، اما عبور از آن به نیرومندی عناصر فرهنگی بستگی دارد. به باور لسنسکی^{۱۸} (۱۹۶۱: ۶۰، به نقل از عبدی، ۱۳۸۲، ۱۳) اساسی‌ترین نظام نمادین در هر جامعه یعنی زبان، خاص همان جامعه است و درک مفاهیم و نمادهای آن برای اعضای جوامع دیگر مشکل است. ادوارد ساپیر در این مقوله چنان پیش می‌رود که ادعا می‌کند دریافت هر قوم از واقعیت تا حد زیادی ناخودآگاهانه و بر اساس نمادها و رسوم گفتاری آن گروه، ساخته و پرداخته شده و در نتیجه جامعه‌های مختلف در دنیاهاى مختلف زندگی می‌کنند و نه در یک دنیای مشابه با برچسب‌های مختلف.

اینکه چرا در کل نام‌های کردی در سال‌های اخیر افزایش و چرا در این میان بر انتخاب نام‌های کهن و نام‌های مفهومی برای دختران نیز بیش از نام‌های مربوط به طبیعت که اهمیت آنها بیشتر از نقطه نظر زیبایی‌شناختی است، تأکید شده است، می‌تواند طبق آنچه گرامشی (۱۹۷۱) بیان می‌دارد به دلیل بالا رفتن سطح آگاهی افراد نسبت به هویت خود باشد؛ زیرا آنها در سال‌های اخیر در معرض اطلاعاتی قرار گرفتند که از جوانب دیگر بر آنها منع شده بود. این موضوع با آنچه فیض (۱۳۸۳) در رابطه با

معناداری سطح تحصیلات با دقت و حساسیت بر انتخاب نام می‌گوید نیز مطابقت دارد. این حساسیت می‌تواند به دلیل بالا رفتن سطح دانش و آگاهی‌های سیاسی و اجتماعی و زبانی باشد. در واقع مجموعه نام‌ها که چریس لنینگ^{۱۹} (۲۰۰۰) از آن به عنوان «مخزن نام» یاد می‌کند، با بالا رفتن سطح آگاهی افراد، وسیع‌تر و دارای تنوع بیشتری می‌گردد. پدیده جهانی شدن تنها به بازسایه هویت کمک نمی‌نماید، بلکه می‌تواند موجبات برتری و اعتبار بخشیدن به هویت‌های دیگر بخصوص به هویت‌هایی که از لحاظ اقتصادی، علمی و اعمال نفوذ فرهنگی قوی و قدرتمند بوده و از امکانات بیشتری برای تبلیغات برخوردارند نیز باشد. شاید درباره افزایش نام‌های فراملی در دختران یکی از انگیزه‌ها جهت انتخاب نام‌های فراملی برای کودکان در جهت نوعی اعتبار و پرستیژ بخشیدن به فرد باشد. طبق علی‌نژاد و طیب (۱۳۸۲: ۳۷) اسامی فرنگی و خارجی معنایی نمادین داشته و از آنجا که کشورهای خارجی بخصوص کشورهای غربی نماد پیشرفت در جامعه ما هستند، استفاده از این نوع نام‌ها که رنگ و بویی فرنگی دارند، به حس اعتباربخشی فرد کمک می‌کند. تحقیق در امر نام‌گذاری در چارچوب‌های مختلف دیگر نیز توصیه می‌گردد.

منابع

- احمدی، حمید (۱۳۸۸). *بنیادهای هویت ملی ایرانی*. تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- باستانی، سوسن (۱۳۸۷). *جنسیت، فرهنگ، ارزش‌ها و نگرش‌ها*. تهران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات.
- بهرامی، عسکر (۱۳۸۳). *جشن‌های ایرانیان*. تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- خداجو یوسفی، مینا (۱۳۸۹). *بررسی نام‌گذاری رسمی و غیررسمی شهر رشت از دیدگاه زبان‌شناسی اجتماعی*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان‌شناسی، دانشگاه پیام نور.
- عبدی، عباس (۱۳۸۲). *تحول نام‌گذاری کودکان در میان ۴ گروه قومی ایران (بلوچ، ترکمن، کرد و عرب)*. تهران: معاونت پژوهشی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- علی‌نژاد، بتول و سید محمد تقی طیب (۱۳۸۲). *بررسی گرایش‌های جدید نام‌گذاری در اصفهان از دیدگاه زبان‌شناسی*. *مجله مطالعات و پژوهش‌های دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه اصفهان*، شماره ۳۲ و ۳۳، ۲۳-۵۸.
- فیض، سهیلا (۱۳۸۳). *بررسی زبان‌شناختی و جامعه‌شناختی سیر تحولات و گرایش‌های والدین بر نام‌گذاری فرزندان در شهر شیراز*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد آموزش زبان فارسی به غیرفارسی‌زبانان، دانشگاه شیراز.

قمری، محمد رضا و محمد حسن‌زاده (۱۳۸۹). نقش زبان در هویت ملی. *زبان‌پژوهی*، شماره ۳، ۱۵۳-۱۷۲.
قوجق، یوسف (۱۳۹۱). فرهنگ نام‌گذاری نوزاد در قوم ترکمن، مطالعه موردی: محله امام اعظم شهر گنبد
کاووس. برگرفته از: [http://anthropology.ir/sites/default/files/public/anthropologyfiles/](http://anthropology.ir/sites/default/files/public/anthropologyfiles/17440.doc)

17440.doc

گرت، استفانی (۱۳۸۰). *جامعه‌شناسی جنسیت*. مترجم: کتابون بقایی. تهران: دیگرا.
مینورسکی، ولادیمیر (۱۳۸۰). *کردها، نوادگان مادها*. مترجم: جلال جلالی‌زاده. تهران: ژیار.
میرخلیل‌زاده ارشادی، بابک (۱۳۷۲). مقایسه تنوع نام‌های زنان و مردان ایرانی. *مجله زبان‌شناسی*، سال ۱۰، شماره
۲، پیاپی ۲۰: ۸۴-۱۰۷.

ناصری، عبدالله (۱۳۷۸). *نام‌گذاری در بلوچستان*. برگرفته از: <http://balochstan.lxb.ir>

نرسیسیانس، امیلیا (۱۳۹۰). *مردم‌شناسی جنسیت*. تهران: افکار.

هانتر، شیرین (۲۰۱۴). *یک مفهوم ذهنی یا واقعی*. مصاحبه با شیرین هانتر استاد روابط بین‌الملل. برگرفته از:

<http://www.mehrnameh.ir/article/680>

یاریان، پیمان (۱۳۹۲). *فرهنگ نام‌ها*. تهران: صابرین.

Agyekum, K. (2006). The Sociolinguistics of Akan Personal Names. *Legon: Nordic Journal of African Studies*, 15(2), 206-235.

Algeo, J. (1992). Onomastics. In: Tom McArthur (Ed.), *The Oxford Companion to the English Language*. Oxford University Press.

Gramsci, A. (1971). *Selections from the Prison Notebooks of Antonio Gramsci*. New York: International Publishers.

Laning, C. (2000). *Faire Names for English Folk: Late Sixteen Century English Names*. Retrieved from: <https://www.s-gabriel.org/names/christian/fairnames/>

Lawson, E. D. (1984). Personal Names. *100 Years of Social Science Contributions*, 32(1), 45-73.

Lenski, G. (1961). *The Religious Factor: A Sociological Study of Religion's Impact on Politics, Economics, And Family Life*. New York: Doubleday and Company Inc.

Lyons, J. (1977). *Semantics*. Cambridge: Cambridge University Press.

Mphande, L. (2006). Naming and linguistic Africanisms in African American culture. In: J. Mugane, et al., (Eds.), *Selected Proceedings of the 35th Annual Conference on African Linguistics*, (pp. 104-113). Somerville, MA: Cascadilla Proceedings Project.

Spender, D. (1980). *Man Made Language*. London: Routledge Press.

Trepanie, R. (1991). *Towards an Alternative Media Strategy: Gramsci's Theory in Practice*. Unpublished Master's Thesis, University of Simon Fraser, Vancouver Canada.

Widdowson, H. (1998). *EIL: Squaring the Circles. A Reply*. *World Englishes*, 17(3), 379-401.